

تاریخ ادبیات سال دوم

انصاری، فواجهه عبدال...؛ ملقب به شیخ الاسلام و معروف به پیر انصار و پیر هرات عارف قرن پنجم است و در سال ۸۴۰ ه. ق. در هرات درگذشت. آثار او «الهی نامه»، «زاد العارفین»، «مناجات نامه» و «رساله‌ی دل و جهان» می‌باشد.

بجبت تبریزی، مہمدمسین: (۱۳۶۷ - ۱۲۸۵ تبریز) متخلص به شعریار و غزل‌سرای معاصر است. آثار او منظومه‌ی «میر بابا به سلام» و کلیات اشعار می‌باشد.

بازل مشعری: (۱۱۲۴ م.) شاعر حمله‌ی میدری است که شرح حال جنگ‌های پیامبر و حضرت علی (ع) تا لفظه‌ی شهادت ایشان است.

په‌های آسمان: فیلم‌نامه‌ای است نوشته‌ی میسر میبیدی کارگردان و فیلم‌نامه‌نویس معاصر.

جمال زاده، مہمدمعلی: در سال (۱۳۷۶ - ۱۲۷۴ ه. ش.) در اصفهان به دنیا آمد و برای تحصیل به بیروت و سپس به پاریس رفت. وی نخستین کتاب داستان‌های کوتاه ایرانی به عنوان «یکی بود یکی نبود» را در سال ۱۳۰۰ منتشر کرد. وی پدر داستان‌نویسی ایرانی است. آثار او «دارالمبائین»، «سروته یک کرباس»، «تلخ و شیرین»، «هفت کشور»، «شورآباد»، «راه آب‌نامه»، «قصه‌های کوتاه برای پیه‌های ریش‌دار» و «قصه‌ی ما به سر رسید» می‌باشد.

بزرگ علوی: (۱۳۷۵ - ۱۲۸۲) از نخستین تحصیل‌کرده‌های آلمان بود. از سال ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۷ نوشته‌های او اجازه‌ی انتشار نیافت. آثار او «چشم‌هایش»، «چمدان»، «میرزا» و «سالاری‌ها» می‌باشند.

دانشور، سیمین: متولد ۱۳۰۰ در شیراز و همسر جلال آل احمد می‌باشد. آثار او «آتش خاموش» و «سووشون» می‌باشد.

پیچراستو، هریت: (۱۸۹۶ - ۱۸۱۱ م.) اودر ایالت کنتاکی آمریکا به دنیا آمد. او نویسنده‌ی «کلبه‌ی عمو تم» است که در سال ۱۸۵۲ منتشر شد.

پابلو نرودا: (۱۹۷۳ - ۱۹۰۴ م.) شاعر «انگیزه‌ی نیکسون کشی و جشن انقلاب شیلی» و اهل شیلی است.

فیرا ابراهیم فیرا: سراینده‌ی شعر «در بیابان‌های تبعید» در سال ۱۹۲۶ در ناصره چشم به جهان گشود و تمصیلات مقدماتی خود را در فلسطین و دوره‌های عالی را در دانشکده کمبریج و هاروارد به پایان رساند.

درویش، مہمدمود: متولد ۱۹۴۱ در فلسطین اشغالی می‌باشد. وی را شاعر مقاومت می‌دانند چون جز برای فلسطین شعر نسوده است. یکی از شعرهای او «از یک انسان» می‌باشد.

ویکتور هوگو: (۱۸۵۵ - ۱۸۰۲ م.) مشهورترین شاعر رمانتیک قرن نوزدهم فرانسه است. از ده سالگی شعر گفت و در ۲۵ سالگی شاعری سرشناس بود وی عضو فرهنگستان فرانسه و نماینده‌ی مجلس نیز بود. وی به دلیل مخالفت با ناپلئون سوم بیست سال از زندگی خود را در تبعید به سر برد. مہمدمترین آثار او: «بینوایان»، «کوژپشت نتردام»، «کارکران دریا» و «مردی که می‌فندد».

آندره ژید: (۱۹۵۱ - ۱۸۶۹ م.) نویسنده‌ی بزرگ فرانسوی، خالق «ماترهای زمینی» و برنده جایزه‌ی نوبل ادبی است.

سنایی: از شاعران قرن ششم و هفتم و صاحب آثار «مدیقه الحقیقه»، «سیرالعباد الی المعاد» و «کارنامه بلخ» است. وی اولین کسی است که افکار عرفانی را با مضامین عاشقانه درهم آمیخت.

غیبه مافیّه: از آثار منثور مولانا جلال‌الدین بلخی (۶۷۲ - ۶۸۴ ق.) و در بردارنده‌ی سخنان مولانا در مجالسش می‌باشد.

صناعی، محمود: متولد ۱۲۹۸ ارک و متوفی در ۱۳۶۴ در لندن در رشته‌های فلسفه، علوم تربیتی، ادبیات فارسی، زبان فارسی، حقوق و روان‌شناسی تخصص داشت. کتاب «آزادی و تربیت» اثر اوست.

اسلامی نروشن، محمدعلی: در سال ۱۳۰۴ ه. ش. در نروشن متولد شد وی شاعر و محقق بود. آثار او «جام جهان‌بین»، «آوارها و ایماها»، «صغیر سمیرغ» و «روزها» می‌باشد.

ویرانی، عبدالحمید: نویسنده‌ی معاصر که نوشته‌ی وی در مجله‌ی یغما و سپس در مجموعه‌ی «داستان» «عمو غلام» به چاپ رسیده است.

رفیع، جلال: نویسنده‌ی و روزنامه‌نگار، آثار او «فرهنگ معاصر»، «فرهنگ مولد» و «در بهشت شداد» می‌باشد.

افغان ثالث، مهدی: شاعر معاصر و متولد ۱۳۰۷ در مشهد به دنیا آمد و در شهریور ۶۹ درگذشت. آثار او «ارغنون»، «زمستان»، «آخر شاهنامه»، «از این اوستا»، «در حیاط کوچک پائیز در زندان» می‌باشد.

صغارزاده، طاهره: شاعر معاصر در سال ۱۳۱۵ در سیرجان به دنیا آمد. آثار او «رهگذر مهتاب»، «طنین در دلتا»، «سر و بازوان»، «سفر پنجم»، «بیعت با بیداری» و «دیدار صبح» می‌باشند. وی از شافص‌ترین شاعران مذهبی قبل از انقلاب است.

شفیعی کدکنی، محمدرضا: شاعر، نویسنده و پژوهشگر معاصر در سال ۱۳۱۸ در کدکن نیشابور به دنیا آمد. از آثار او «شفیعی»، «از زبان برگ»، «در کوچه باغ‌های نیشابور»، «از بودن و سرودن»، «مثل درخت در شب باران» و «بوی جوی مولیان» می‌باشد.

«صور خیال در شعر فارسی»، «موسیقی شعر»، «تصنیع و توضیح اسرارالتوکید» نمونه‌هایی از آثار پژوهشی اوست.

موسوی گرمارودی، علی: متولد ۱۳۲۰ و آثار او «سرود رکبار»، «عبور»، «در سایه سار نفل ولایت»، «چمن لاله»، «فط خون تا ناکجا و «دستپن» می‌باشد.

رهی معیری، محمدرحمن: از غزل‌سرایان (۱۳۴۷ - ۱۳۸۸ ش.) معاصر است و به پیروی سعری غزل گفته است. اثر وی «سایه‌ی عمر» است.

ابتهاج، هوشنگ: شاعر معاصر در سال ۱۳۰۶ در رشت متولد شد و از سال ۱۳۲۲ به شعر اجتماعی روی آورد. آثار او «نفس‌تین نغمه‌ها»، «سراب»، «سیاه مشق» و «شبگیر».

ابن بطوطه: (۷۷۹ - ۷۰۳ ه. ق.) عالم و جهانگرد مشهور در ۲۲ سالگی از مراکش به قصد زیارت فائده‌ی خدا خارج شد. وی سی سال سفر کرد و در سال ۷۵۴ به مراکش بازگشت و سفرنامه او به نام «رحله‌ی ابن بطوطه» یا «تفه‌النظار و غرایب‌الامصار» ثبت شد.

پیرلوتی: (۱۹۲۳ - ۱۸۵۰) جهانگرد فرانسوی مولف سفرنامه‌ی «به سوی اصفهان» با ترجمه‌ی بدرالدین کتابی است.

صنیع‌الدوله، ممد حسن: ملقب به اعتمادالسلطنه وزیر ناصرالدین شاه بود و در سال ۱۳۱۳ فوت کرد. آثار او «مراه‌البلدان» ، «مطلع‌الشمس» ، «فیرات‌الفسان» ، «المائر و الاثار» و «منتظم‌ناصری» اشاره کرد.

حسین، طه: (۱۹۷۳ - ۱۸۱۹) ادیب و پژوهشگر مصری در سه سالگی نابینا شد ولی با پشت‌کار مدارج عالی را طی کرد. کتاب «الایام» او را شادروان حسین فریویم با نام «آن روزها» به زبان فارسی ترجمه کرد.

سعرسلیمان، مسعود: (۵۱۵ - ۴۴۰) بیشتر عمر خود را در هند بسر برد و در دستگاه غزنویان منزلت یافت ولی سپس در قلعه‌های «دهک» ، «سو» ، «نای» و «مرنج» زندانی شد. کتاب حبسیات سروده‌های وی در زندان است.

شریعت رضوی، پوران: همسر دکتر علی شریعتی و نویسنده‌ی کتاب «طریقی از یک زندگی» درباره‌ی زندگی و افکار همسرش می‌باشد.

زینب النساء: متخلص به مفی (۱۱۱۳ - ۱۰۴۸) از زنان شاعر هند است. وی در سرودن شعر بیشتر از عرفی شیرازی پیروی می‌کرد.

کاظمی، ممد کاظم: متولد ۱۳۴۶ شاعر معاصر افغانی است.

فتلانی، اسکندر: متولد ۱۹۵۴ در کولاب است و از شاعران تاجیک می‌باشد.

آواز عشق

هر نفس آواز عشق می‌رسد از چپ و راست	ما به فلک می‌رویم، عزم تماشا که راست؟
ما به فلک بوده‌ایم، یارِ مَلک بوده‌ایم	باز همان جا رویم جمله، که آن شهر ماست
خود ز فلک برتریم، وز مَلک افزون‌تریم	زین دو پیرا نگذریم؟ منزل ما کبریاست
بافت پـوان یار ما، دادن جان کار ما	قافله سـالار ما فخر جهان مصطفاست
از مه او مـه شکافت، دین او بر نتافت	ماه چنان بفت یافت، او که کمینه گداست
بوی فـوشِ این نسیم از شکن زلف اوست	شعشعـه‌ای این خیال زان رخ چون «والضـا»ست
فلق چو مـرغایان زاده زدریای جان	کی کُند این با مقام مرغ کز آن بفر فاست؟
آمر مـوجِ آست، کشتیِ قالب بیست	باز چو کشتی شکست نوبت وصل ولفاست

فیام

آن قصر که جمشید در او جام گرفت آهو پیه کرد و روبه آرام گرفت
بهرام که کور می گرفتی همه عمر دیدی که چگونه کور بهرام گرفت
برفیز و مفور غم جهان گذران بنشین و دمی به شادمانی گذران
در طبع جهان اگر وفایی بودی نوبت به تو خود نیامدی از دگران
آنان که محیط فضل و آداب شدند در جمع کمال شمع اصحاب شدند
ره زین شب تاریک نبردند برون گفتند فسانه‌ای و در فواب شدند

پشت دریاها

قایق فوادم سافت،
فوادم انداخت به آب
دور فوادم شد از این خاک غریب
که در آن هیچ کسی نیست که در بیشه‌ی عشق
قهرمانان را بیدار کند.
قایق از تور تهی
و دل از آرزوی مروارید،
هم‌پنان فوادم راند
نه به آبی‌ها دل فوادم بست
نه به دریا — پریانی که سر از آب به در می‌آرند
و در آن تابش تنهایی ماهی‌گیران
می‌فشانند خسون از سر کیسوهاشان
هم‌پنان فوادم راند.
پشت دریاها شهری است
که در آن پنجره‌ها رو به تبلی باز است
بام‌ها جای کبوترهایی است
که به فواره‌ی هوش بشری می‌نگرند

دست هر کوکب ده ساله ی شهر شافه ی معرفتی است

مردم شهر به یک پینه چنان می نگرند

که به یک شعله، به یک فواب لطیف

فاک موسیقی احساس تو را می شنود

و صدای پر مرغان اساطیر می آید در باد

پشت دریاها شهری است

که در آن وسعت فورشید به اندازه ی پشمان سمرقیزان است

شاعران وارث آب و فرد و روشنی اند.

پشت دریاها شهری است

قایقی باید سافت،

شور عشق

عشق، شوری در نهاد ما نهاد جان ما در بوته ی سودا نهاد

گفت و گویی در زبان ما فلندر جست و جویی در درون ما نهاد

از قُمستان جرعه ای بر فاک ریفت جنبشی در آدم و مَوا نهاد

دم به دم در هر لباسی رخ نمود لفظه لفظه بای دیگر پا نهاد

چون نبود او را معین ثانه ای هر کجا با دید، رفت آن پا نهاد

حسن را بر دیده ی خود جلوه داد منتی بر عاشق شیدا نهاد

یک کرشمه کرد با خود، آن چنانک فتنه ای در پیر و در بُرنا نهاد

تا تماشای جمال خود کند نور خود در دیده ی بینا نهاد

تا کمال علم او ظاهر شود این همه آسار بر صبرا نهاد

شور و غوغایی بر آمد از جهان حسن او چون دست در یغما نهاد

چون در آن غوغا عراقی را بدید نام او سر دفتر غوغا نهاد

آژگار: زمانی دراز، به‌طور مداوم، تمام و کامل
آزار: ماه اول بهار، از ماه‌های رومی است.

الف

ابدرال: جمع بدل یا بدل به معنی اولیاء الله؛ مردان خدا، نیک‌مردان
آبرش: اسبی که بر اعضای او نقطه‌ها باشد؛ در این‌جا مطلق اسب منظور است.

اِبرار: پشت کردن، بدبختی

ادعیه: دعاها

اژگار: ذکرها، وردها

ارتبال: بدون انریشه شدن گفتن یا شعر سرودن، بی‌درنگ

استشاره: رای زدن، مشورت کردن.

استیصال: ناپاری، درماندگی

اسلمی: ممال اسلامی؛ از طرح‌های هنری، مرکب از پیچ‌وفهم‌های متعدد

اشباح: جمع شیخ، کالبدها، سایه‌ها، سیاهی‌هایی که از دور دیده شود.

اشتلم: لاف زدن

اصبغت امیراً و امسیت اسیراً: بامداد امیر بودم و شبانگاه اسیر

اعاظم: بزرگان، بزرگ‌تران

افکار: آزرده، زخمی، فسته، مجروح

اقبال: روی آوردن، خوشبختی

الماس پیکان: تیری که نوک آن سفت برنزه و درفشان و چلا داره باشد.

امواج مافوق صوت: امواج فوق صوت؛ امواجی که فرکانس آن‌ها بالاتر از ۲۰۰۰۰ هرتس است و شنیده نمی‌شود.

امیرالأمرا: امیر امیران، فرمانده کل سپاه

اوراد: وردها، دعاها

ایار: از ماه‌های رومی که برابر ماه سوم بهار است.

ب

باری: آغاز، در اصل اسم فاعل از «بَرَاء» به معنی شروع‌کننده.

بارگی: اسب، «باره» نیز به همین معنی است.

باشد که: به آن امید که

بصبوئه: میان، وسط

برسگال: بدانریش، برخواه، صفت فاعلی مرکب مرفّع، جانشین اسم

برهمن: پیشوای روحانی آیین برهمایی

بسمل کردن: سر جانور را بریدن؛ از آن جا که مسلمانان در وقت ذبح جانور «بسم الله الرحمن الرحيم» می گویند، به همین دلیل، به عمل

ذبح «بسمل کردن» گفته می شود.

بقولات: جمع بقول و آن جمع بَقْل است به معنی سبزی و تره بار.

بلا معارض: بی رقیب

بَلَّغْتُ: آن را فرو بردم. «صیغه ی بلعت» چیزی را خوراندن، آن را به خلق فرو بردن، آن را خلاف حق تصرف کردن و بالا کشیدن.

بَنان: انگشت

بهره: حق مالک، قسمت صامب زمین

پار: سال گذشته

پ

پتیاره: مهیب، زشت

پرت و پلا: بیهوده، بی معنی. به این نوع ترکیب ها که در آن ها لفظ دوم اغلب بی معنی است و برای تاکید لفظ اول می آید. «مرکب

اتباعی» با اتباع می گویند.

ت

تاس: کاسه ی مسی که با خود به حمام می بردند.

تپق: کرفتگی زبان

ترفع: بالا بردن.

ترگ: کلاه خود

تصنیف: نوعی شعر که با آهنگ موسیقی خوانده شود.

تعلل: بهانه کردن، بهانه آوردن، بهانه جویی.

تغیّرات: جمع تغیر؛ دگرگون شدن، برآشتن، خشمکین شدن.

تفتیش: بازرسی، بازجست، واپژوهیدن.

تفقّر: دل جوئی

تقریر: بیان، بیان کردن.

تَلَطَّف: مهربانی کردن، نرمی کردن

تموز: ماه اوّل تابستان، از ماه‌های رومی است.

تنبوشه: لوله‌ی سفالین یا سیمانی کوتاه که در زیر خاک یا میان دیوارگذارند تا آب از آن عبور کند.

تنّبه: بیداری، آگاهی، هوشیاری

توتیا: اکسید طبیعی و نافالص روی که مخلول آن کندزدایی قوی است. در قریم این اکسید را در چوش‌های بعاره و چوش‌های تراغمی به

صورت گرد روی پلک‌ها می‌پاشیدند این ماده‌ی شفافش در تعبیر شاعرانه وسیله‌ای است برای روشنایی چشم. توتیا را با سرمه که گرد

نرم شده‌ی سولفور آهن یا نقره است و در قریم برای سیاه کردن پلک‌ها و مژه‌ها به‌کار می‌رفته است، نباید اشتباه کرد.

تورّم علمی: افزایش مداوم و بی‌رویه‌ی سطح عمومی قیمت‌ها. تورّم غیرعلمی آن است که تورّم مثلاً براساس شایعات یا امور

مصنوعی به‌وجود آید.

ج

جافی: جفاکننده، جفاکار

جانی: از سوی جان؛ این کلمه قید است و «یای» آن یای قیدساز یا یای جانشین تنوین است. این کلمه به‌جای کلمه‌ی غلط «جانّا» به‌کار

رفته است.

جبهه: پیشانی

چرز: دیوار اتاق و ایوان

چزمیت: قطعیت و یقین

چوال: ظرفی از پشم بافته که چیزها در آن کنند.

چ

چلمن: کسی که زود فریب بخورد؛ نالایق و بی‌دست و پا

چوبه: تیری که از جنس چوب خردنگ باشد.

ح

حازم: دوران‌دیش، هوشیار

حبب: شرم و میا

حرب: آلت حرب و نزاع مانند شمشیر، خنجر، نیزه و ...

حِرز: دعایی که بر کاغذ نویسنده و با خود دارند. بازوبند، تعویذ

خ

خاییدن: جویدن، به دندان نرم کردن

خردنگ: درختی است بسیار سفت که از چوب آن تیر و نیزه و زمین اسب سازند.

خفایا: مع خفیه، به معنی نهان‌ها

فلنگ: نام گیاهی است؛ علف بارو

فییره فیر: بیخوره

>

دراویش: درویشان، امروزه جمع بستن کلمات فارسی در قالب‌های عربی جایز نیست.

درزی: فیاط

دستوری: رفصت، اجازه دادن.

دمرمه: در این‌جا به معنی نزدیک، درود، حوالی، در اصل به معنی با فشم سفن کفتن و آواز دادن است.

دُوری: بشقاب بزرگ و مقعر

دی: روز گذشته، دیروز

دیلاق: آدمِ قدر دراز

ذ

ذرع: معادل ۱/۰۴ متر، کز

/

رفع کردن: شکایت کردن، دادخواهی کردن.

رقعه: قطعه‌ی کاغزی که روی آن می‌نویسند.

رمانتیک: داستانی، افسانه‌ای؛ اثری به سبک رمانتیسم

ز

زاغه: سوراخی است در کوه یا تپه یا بیابان که محلّ استراحت پراپایان است، آغل

زهر: آزار، اذیت، شکنجه

زلت: لغزش، خطا

س

ستوه: درمانده و ملول

سهاب: ابر

سعایت: سفن‌چینی

سفاهت: بی‌فردی، کم‌عقلی

سماط: سفره

سنروس: سمغی است زردرنگ که روغن کمان از آن می‌گرفته‌اند. در درس فقط زردی آن منظور است.

سنگ سماق: سنگی سفت و متمایل به صورتی یا سبز است و چون مقاومت و سستی زیادی دارد، در ستون‌های سنگی ساختمان‌ها و برای ساختن سنگ آسیاب از آن استفاده می‌شود.

سوفار: دهانه‌ی تیر، جایی از تیر که پله‌ی کمان را در آن بند کنند.

سوم: ترس

ش

شفیص: بزرگ و اریمند

شکوم: شگون: میمنت، خستگی، چیزی را به خال نیک گرفتن.

شولا: خرقة، خرقة‌ی درویشان

ص

صبا: بار فتنک و لطیفی که از جانب شمال شرق می‌وزد؛ صبا نماد پیام‌رسانی است.

صبوح: در این‌جا یعنی آنچه باعث سرفوشی و نیروی معنوی فرد شود.

صلا زدن: آواز دادن، صدا کردن.

صلوات: جمع صلوات، به معنی رحمت و بخشایش حق تعالی، درودها

صورت شر: روشن شد.

صولت: هیبت

ض

ضمیر: باطن

ضیاع: جمع ضیعت: زمین زراعتی، دارایی

ط

طارمی: نرده‌ی چوبی یا آهنی که اطراف موطه یا باغی نصب کنند.

طالع: برآینده، طلوع‌کننده، خال، بفت، اقبال

طلسم: اصلاً یونانی است به معنی نقش‌ها و دعاهایی که به وسیله‌ی آن کار فارق عادت انجام دهند. طلسم کسی را شکستن: مشکل کسی را که دیگران از حل آن عاجزند برطرف کردن.

طومار: نامه، کتاب، دفتر، نوشته‌ی دراز، لوله‌ی کاغذ

ع

عاریه: آنچه کسی از کسی برای رفع حاجتی بگیرند و پس از رفع نیاز آن را پس دهند.

عامل: فاکم، والی

عروج: به بلندی رفتن، بالا آمدن

عقار: آب و زمین

عنود: ستیزه‌کار

غ

غره: مغرور، کول‌خورده.

غفنغر: شیر

غلیان: پوشش، پوش و فروش

ف

فتوح: کشایش حاصل شدن چیزی بیش از حد انتظار

ق

قاب: آسمانه و قوس بنا از طرف داخل که آن را از چوب می‌سازند.

قاپوچی: دربان، لغتی ترکی است.

قدرج: کاسه

قلیه: نوعی خوراک از گوشت که آن را در تابه یا دیگ بریان می‌کنند.

قهر: غراب کردن، پیره شدن، خشم، غضب

ک

کبریا: عظمت، بزرگی

کت: شانه

کتاب: جمع کاتب، نویسندگان؛ در این‌جا یعنی مکتب

کتل: تل بلند، پشته‌ی مرتفع

کشیک‌خانه: پاسدارخانه

کله: خیمه‌ای از پارچه‌ی تگ و لطیف که آن را همچون خانه می‌دوزند؛ پشه‌بند، جبهه‌ی عروسی

کُمیت: اسب سرخ مایل به سیاه

کوکب: ستاره

کومه: خانه‌ای از نی و علف که کشاورزان و باغبانان در آن می‌نشینند؛ آلونک، کپر، کلبه

گ

گبر: نوعی جامه‌ی بنگی، هفتان

گَوَن: گیاهی است از تیره‌ی سبزی آسها در قه‌ای مداکثر به ارتفاع یک متر و دارای خارهای بسیار است و غالباً به حالت خودرو و در نواحی کوهستانی و زمین‌های بایر می‌روید.

ل

لایه: تضرع، التماس، اظهار نیاز

لطیفه: گفتار نغز، مطلب نیکو، نکته‌ی باریک

م

مألوف: الفت گرفته، انس گرفته

ماسوا: متصف ماسوی الله؛ آنچه غیر از خداست، همه‌ی مخلوقات.

ماغیها: آنچه در او (آن) است.

مایهتوی: آنچه درون چیزی است.

متراکم: برهم نشیننده، روی هم جمع شده، گرد آینه.

متفرعات: توابع، وابسته‌ها

مجرد: غیر مادی، امری که روحانی محض باشد، آنچه منزّه از ماده باشد مانند عقل و روح

مفزول: غوار، زبون گردیده

مفظوظ: بچره‌ور

مزلت: خواری و بدبختی

مزموم: نکوهیده، زشت، مذمت شده.

مُسکر: چیزی که نوشیدن آن مستی می‌آورد؛ مثل شراب

مسیل: بایی که سیلاب از آن بگذرد؛ مثل عبور سیل، جای سیل‌گیر

مشعوف: شادمان

مصادره: تاوان گرفتن، جرمه کردن، خون کسی را به مال او فروختن.

مفترت: زیان، زیان رسیدن، گزند رسیدن

مفغ: آسیا کردن غذا در زیر دندان، جویدن

مقالم: متصف مجلس مظالم؛ مجلسی که در آن به شکایت‌های مردم درباره‌ی ظلم‌هایی که بدان شده بود، رسیدگی می‌شد.

معاصی: گناهان، جمع معصیت

معهود: عذر شده، شناخته شده، معمول

مفتول: رشته‌ی دراز و باریک فلزی، سیم

مکایر: جمع مکیرت، مکرها، خدعه‌ها

ملترمین: کسانی که در رکاب شاه یا بزرگی حرکت می‌کنند؛ همراهان

مناعت: بلندنظر بودن، طبع عالی داشتن

منفوس: شوم، نامیمون، بدافتد

مُنْکَر: زشت، ناپسند

موشش: وحشت‌آور، ترسناک

مهیج: هیجان‌آور، برانگیزنده

میغار: جای وعده، وعده‌گاه، زمان وعده

میثا: آبگینه، شیشه

مینو: بهشت

ن

نیسان: از ماه‌های رومی است که بخشی از آن در فروردین و بخشی در اردیبهشت واقع می‌شود.

و

وَقَات: جمع وینه، رفسار

وَرود: بسیار مهربان، بسیار دوست‌دارنده، صفتی از صفات خدای تعالی است.

وَعَاط: جمع واعظ، پندرنده، اندرزگوی

ولیمه: طعامی که در مهمانی و عروسی می‌دهند.

ه

هَرَا: صدا و غوغا، آواز مهیب

هله: صوت تنبیه به معنی «آلاه‌باش».

هلیم: غذایی لذیذ که از گندم پوست‌کنده و گوشت می‌پزند. اصل این کلمه، هلام بوده و ممال شره است و نوشتن آن به صورت

«هلیم» نیز متداول است.

هَما: پرنده‌ای از راسته‌ی شکاریان، دارای جثه‌ای نسبتاً درشت. در زبان پهلوی به معنی فرخنده است و به همین دلیل، نمار سعادت

واقع شده است.

هیاکل: اندام‌ها، صورت‌هایی که به اسم ستاره‌ای از ستارگان می‌ساختند. (جمع هیکل)

هیمه: هیزم

ی

یوزبان: کسی که مأمور نگهداری و حفظ و تربیت یوزهای شکاری است.

فهرست نام‌های کسان، جای‌ها و کتاب‌ها

آدم: نخستین پدر آدمیان که با همسرش «هوا» در بهشت زندگی می‌کردند و چون از میوه‌ای که خداوند خوردن آن را ممنوع کرده بود خوردند، از بهشت رانده شدند و به زمین آمدند.

آشور (آسور): سرزمینی قدیمی است که در بخش میانی رود دجله و کوهستان‌های مپور آن قرار داشته است.

آفریقا-افریقا: یکی از قاره‌ها که از شمال به دریای مدیترانه و از مشرق به دریای هند محدود است.

آقا محمدخان قاجار: مؤسس سلسله‌ای قاجاریه که با انقراض دولت زندیه به قدرت رسید.

آلب ارسلان: دومین پادشاه سلسله‌ی سلجوقی ایران که در قرن پنجم می‌زیست. وی قلمرو خود را تا حدود چین و روم گسترش داد و امپراتور روم را مغلوب و اسیر کرد.

آل احمد (جلال) (۱۳۴۸ - ۱۳۰۲): نویسنده‌ی مشهور ایرانی که از خانواده‌ی روحانی بود. آثار او شامل چهار دسته‌ی سفرنامه‌ها (مثل فسی در میقات)، داستان‌ها (مانند مدیر مدرسه)، مقالات (مانند غرب‌زدگی) و ترجمه‌ها (مثل قمارباز) است.

آمریکای لاتین: قسمت جنوبی قاره‌ی آمریکا شامل کشورهای کلمبیا، کولمبیا، پرو، شیلی، آرژانتین، اروگوئه، پاراگوئه، برزیل، بولیوی، ونزوئلا و گویان.

ادیب پیشاوری (۱۳۴۹ - ۱۲۶۰ ه. ق): سیر احمد بن شعوب‌الدین پیشاوری ادیب و شاعر مشهور عصر خود بود. وی دوران زندگی‌اش را در تحصیل علم و تزکیه‌ی نفس سپری کرد. دیوان اشعار وی به چاپ رسیده است.

آدیسه: کتاب حماسی هومر، شاعر بزرگ قبل از میلاد یونان است. از این کتاب می‌توان مجموعه‌ی آداب و اخلاق یونانیان قدیم را دریافت.

اسرار التوفیق فی مقامات الشیخ ابوسعید: کتابی است در احوال شیخ ابوسعید ابی‌الفیر که ممد بن منور (یکی از نوادگان وی) آن را نگاشته است.

اسکندرنامه: از مثنوی‌های نظامی کهنی که شامل دو بخش شرف‌نامه و اقبال‌نامه است.

اسماعیل سامانی: اسماعیل بن نوح سامانی یکی از پادشاهان سامانی که در سال ۳۹۵ کشته شد.

اشتاین بک (جان): نویسنده‌ی آمریکایی قرن بیستم که در نوشته‌های خود، دقیق حالات زندگی مأموران و رنج‌دیدگان را شرح داده است، بی‌آن‌که گفتارش ملال‌آور باشد. از آثار او می‌توان «مراجع بهشتی»، «فوشه‌های فشم»، «موش‌ها و آدم‌ها» را نام برد.

آشکبوس: پهلوانی کثانی که به یاری افراسیاب آمد و سرانجام به دست رستم کشته شد.

افغانستان: از کشورهای آسیای مرکزی که با ایران، ازبکستان، ترکمنستان و پاکستان همسایه است. مرکز حکومت افغانستان «کابل» است.

اقبال لاهوری (مفرد): شاعر و متفکر پاکستانی، آخرین شاعر بزرگ فارسی‌گوی شبه قاره‌ی هندوستان است. او از متفکران پیشرو و اصلاح‌طلب و از موسسان کشور پاکستان بود.

الکساندر دوما (پدر): رمان‌نویس و نمایش‌نامه‌نویس مشهور فرانسوی قرن نوزدهم. مهم آثار او بالغ بر سیصد کتاب است که از جمله‌ی آن‌ها می‌توان «سه تفنگدار» و «کنت مونت کریستو» را نام برد.

امیر ارسلان: قهرمان یکی از مشهورترین داستان‌های عامیانه‌ی فارسی که بسیار مورد توجه مردم بوده است. این داستان اثر نقیب‌الممالک، نقال ناصرالدین‌شاه است.

امین سلطان (امین‌السلطان): میرزا علی اصغرخان اتابک اعظم از رجال دوره‌ی ناصرالدین‌شاه بود که در چهار سال آخر حکومت وی سمت صدارت داشت.

ایلیاد: یکی از آثار حماسی هومر شاعر بزرگ قبل از میلاد یونان است. این کتاب شاهکارهای ادبیات جهان به شمار می‌رود.

بتوون (لودویگ فان): آهنگساز معروف آلمانی قرن هجدهم و نوزدهم (۱۸۲۷ – ۱۷۷۰ م.) است. آثار او و از جمله سمفونی‌هایش بر از اساسات عمیق و ماکلی از قدرت تعبیر اوست. بتوون در آخر قدرت شنوایی خود را از دست داد.

بهرین: مجمع‌الجزایری بین شبه جزیره‌ی قطر و خاک عربستان. بندر بزرگ آن «منامه» است.

بقارا: شهری مشهور در ماوراءالنهر، پایتخت سامانیان نیز بوده و امروز جزء جمهوری ازبکستان است.

بلخ: شهری بزرگ در خراسان قدیم و اکنون نام شهر کوچکی در شمال افغانستان است.

بیرس (تولد ۶۲۵): بیرس بن عبدالله در هجوم تاتار اسیر و به غلامی فروخته شد. امیر علاءالدین او را خرید و او در سایه‌ی همت و زیرکی به مرتبه‌ی حکومت رسید و سپس در قاهره به تفت نشست.

بیرونی، ابوریحان: ممتد بن احمد خوارزمی از علما و بزرگان ایران و جهان است. او همراه سلطان محمود به هند رفت و شرح تحقیقات این سفر را در کتاب «تحقیق ماله‌هند» تألیف کرد. آثار دیگر بیرونی «آثارالباقیه عن القرون الفالیه»، «التفهیم لاوائل صناعة التمیم» و «قانون مسعودی» است.

بین‌النهرین: نامیه‌ای در آسیای غربی که در امتداد دو رود دجله و فرات، دولت‌هایی آشور و بابل در این منطقه به‌وجود آمده‌اند.

بیدل دهلوی: ابوالمعالی عبدالقادر بیدل شاعر پارسی‌گوی هندی است. او در نظم و نثر سبکی خاص داشت. شعر او از بهترین نمونه‌های سبک هندی به شمار می‌رود. در آثار بیدل افکار عرفانی با مضامین پیچیده و استعارات و کنایات درهم آمیخته است.

پاکستان: از کشورهای همسایه ایران.

پرسپولیس: کلمه‌ای است یونانی به معنی شهر پارس، در این‌جا منظور یکی از کاخ‌های پادشاهان هخامنشی در مرو دشت فارس است. ساختمان این کاخ در زمان داریوش آغاز شد.

تایمیکستان: از کشورهای تازه استقلال یافته شوروی سابق.

تاریخ فردریک کیبیر: اثری از توماس کارلایل (۱۸۸۱ - ۱۷۹۵).

تاریخ و صاف: کتابی است تاریخی تألیف «وصاف المصنوع» که به بخشی از تاریخ مغول پرداخته است. نشر این کتاب نمونه‌ی سبک مصنوع و متکلف است.

تمغه الافغان: کتابی است از کمال الدین عبدالرزاق کاشانی نویسنده‌ی قرن دهم.

توران: سرزمین تور، یکی از سه پسر فریدون. سرزمینی در آن سوی سیحون تا دریایچه‌ی آرال. جنگ‌های ایران و توران بخش مهم داستان‌های ملی ما را تشکیل می‌دهد.

توس: پهلوان ایرانی، فرزند نوز.

تولم: یکی از دهستان‌های فومن.

توران موقوف: رمانی از مرتضی مشفق کاظمی (۱۳۵۶ - ۱۲۸۷)، این کتاب نخستین رمان اجتماعی است که در آن وضع فقرات آمیز زنان ایرانی به تصویر کشیده می‌شود.

پاچ: منطقه‌ای بزرگ و آبادان از ماوراءالنهر در کنار رود سیحون که اکنون تاشکند نامیده می‌شود و مرکز جمهوری ازبکستان است.

چین: کشوری وسیع و پرجمعیت در قاره‌ی آسیا. این نام از سلسله‌ی پادشاهان تسین گرفته شده است.

حلب: شهری در شام (سوریه).

هوا: نخستین زن، همسر آدم (ع).

فاش: ۱- از شهرهای استان سیستان و بلوچستان که در جنوب زاهدان واقع شده است. ۲- شهری در افغانستان.

فاغانی: افضل الدین بدیل فاغانی ملقب به هسان العیص شاعر مشهور قرن ششم. در قصیده‌سرایی صاحب سبک است. قوت اندیشه و مهارت او در ترکیب الفاظ و ابتکار مضامین کم‌نظیر است.

فامنه‌ای، جعفر: در سال ۱۳۶۶ شمسی در تبریز به دنیا آمد. وی از طریق زبان‌های فرانسه و ترکی با اشکال جدید شعر آشنایی یافت. اشعار او که متأثر از نوپردازان ترکیه بود، در جراید به چاپ می‌رسید.

فاوران‌نامه: منظومه‌ای است از ابن مسام فوسفی شاعر قرن هشتم و نهم که موضوع آن سفرها و عملات علی (ع) به سرزمین فاوران به همراهی مالک اشتر و جنگ با دیو و اژدها و امثال این وقایع خیالی است.

فشیارشا؛ پادشاه هفامنشی، پسر و جانشین داریوش بزرگ. مادر وی آتوسا دختر کوروش بوده است.

فطّ سربانی: فطی که برای نوشتن زبان سریانی به کار می‌رفته و آن همان فطّ آرامی با اندکی تغییر بوده است.

فطّ کوفی: نوعی از فطوط اسلامی.

فلیلی، (عبّاس): در نیف متولّد شد. رمان‌های «روزگار سیاه»، «انتقام» و «انسان و اسرار شب» را با نثری احساساتی و آکنده از لغات عربی دربارهای تیره‌روزی زنان نوشت.

فُنْج پال: فُنْج پال شهری در جنوب فارس میان شهر لار و بندر سیراف.

فوارزم: ناحیه‌ای از ایران قریم که در دوره‌ی قاجار جزء روسیه‌ی تزاری شد. اکنون از شهرهای کشور ترکمنستان است.

فوشه‌های ششم: از رمان‌های مشهور قرن بیستم و برنده‌ی جایزه‌ی پولیتزر است. نویسنده‌ی این کتاب جان اشتاین بک است.

فقیّام: کلیم ابوالفتح عمر فقیّام، فیلسوف، ریاضی‌دان، منیّم و شاعر ایرانی قرن پنجم و ششم است و اشعاری به فارسی و عربی و کتاب‌هایی در ریاضی دارد.

دانشور، سیمین (تولّد ۱۳۰۰): نویسنده‌ی مشهور و معاصر. از آثار او می‌توان به رمان‌های «سووشون» و «جزیره‌ی سرگردانی» اشاره کرد.

درویش فان (۱۳۰۵ - ۱۲۵۱ ش): غلامسین فرزند حاج بشیر طالقانی، موسیقی‌دان معروف ایران.

دمو ستس (۳۲۲ - ۳۸۴ ق. م): یکی از فطبای بزرگ آتن.

دریای هند: اقیانوس هند، سومین اقیانوس بزرگ.

دولت‌آبادی، ممدود (تولّد ۱۳۱۹): داستان‌نویس معاصر؛ از آثار او می‌توان به کتاب‌های «کلیدر»، «جای خالی سلوچ»، «لایه‌های بیابانی» اشاره کرد.

دولت‌آبادی، یعی (فوت ۱۳۱۸): حاج میرزا یعی دولت‌آبادی یکی از پیش‌قدمان و مروجان تعلیم و تربیت جدید است. وی چند دوره نماینده‌ی شورای ملی بود.

دهفرا، علی‌اکبر (۱۳۳۴ - ۱۲۵۷): دانشمند، لغوی و نویسنده‌ی معروف قرن چهاردهم هجری قمری است. برخی آثار او عبارت است از: «ترجمه‌ی عظمت و انحطاط رومیان»، «ترجمه‌ی روح‌القوانین»، «تصحیح دیوان منوچهری»، «تصحیح دیوان حافظ»، «امثال و حکم» و «لغت‌نامه».

دهک: قریه‌ای در نزدیکی زرنگ و بُست در سیستان.

دهلوی، امیرفسرو: بزرگ‌ترین شاعر پارسی‌گوی هند است و در قرن هفتم می‌زیست. وی به تقلید نظامی پنج مثنوی سروده است.

دهلوی هم‌پنین از سنایی، فاقانی و سعدی پیروی می‌کرد.

رفعت، تقی: از پیشگامان تنوّل در شعر فارسی است. در تبریز به دنیا آمد و در استانبول به تمهیل پرداخت و به زبان‌های ترکی، فرانسه و فارسی تسلط داشت.

رُم: مرکز امپراتوری روم قدیم و ایتالای کنونی.

رامایانا: حماسه‌ی معروف هندوان، سروده‌ی والمیکلی شاعر باستانی هند. این کتاب منظومه‌ای است طولانی به زبان سنسکریت درباره‌ی وقایع و جنگ‌های رام و همسر او سیتة.

رفش: اسب مشهور رستم.

رستم (تیمتن): در لغت به معنی بزرگ تن و قوی اندام. جوان پهلوان ایران از مردم زابلستان که دارای قدرتی فوق‌العاده بود. روزگار سیاه: رمانی از عباس غلیلی با نثری احساساتی و آکنده از لغات عربی درباره‌ی تیره‌روزی زنان. این کتاب الهام‌گرفته از «مادام کاملیا» اثر الکساندر دوما است.

رُها: از پهلوانان ایرانی روزگار کاووس و فرزند گودرز، وی از دانایان روزگار خویش بود.

عبید زاکانی، نظام‌الدین عبدالله: شاعر و نویسنده‌ی طنزپرداز قرن هشتم هجری. وی اصلاً از مردم قزوین بود. آثار معروف او عبارتند از: «رساله‌ی دلکشا»، «اخلاق‌الاشراف» و «موش و گربه».

زمفشری (فوت ۵۳۸): جلال‌الله ابوالقاسم مسمود زمفشری استاد تفسیر و حدیث و لغت و علوم بلاغی. اثر معروف وی «الکشاف فی تفسیر القرآن» است.

ژیل بلاس: رمان فرانسوی از آلن رنه لوساز (۱۷۴۷ – ۱۶۶۸) است و نخستین رمان فرانسوی به شمار می‌رود.

سنایی: ابوالمبر مبرود بن آدم، شاعر و عارف معروف ایرانی قرن ششم است. از آثار اوست: «طریق‌التقیق»، «سیرالعباد الی المعاد» و «کارنامه بلخ».

سو: قلعه‌ای در متصرفات غزنویان و قلعه‌ای مستحکم بود که مسعود سعد مدّتی در آن مپوس بود.

سوئد: کشوری در شمال اروپا در شبه جزیره‌ی اسکاندیناوی میان نروژ و دریای بالتیک. پایتخت آن استکهلم است.

سه تفنگدار: رمانی از الکساندر دوما (پدر) که درباره‌ی شرح قهرمانی‌ها و جوان‌مردی‌های سه تن از تفنگداران لویی سیزدهم است.

شهریار (۱۳۶۷ – ۱۲۸۵ تبریز): سید مسمد مسین بوعت متخلص به شهریار غزل‌سرای بزرگ معاصر.

شهناز: یکی از آهنگ‌های موسیقی ایرانی، گوشه‌ای از دستگاه شور.

شعید بلخی: شعید بن حسین جهودانکی بلخی شاعر و متکلم و حکیم قرن چهارم هجری.

صابری، کیومرث: نویسنده و طنزپرداز معاصر که اولین هفته‌نامه‌ی طنز پس از پیروزی انقلاب اسلامی را با نام «کل آقا» منتشر کرد.

صاحب‌قرانی: کاخ تابستانی ناصرالدین شاه.

صغارزاده، طاهره (تولد ۱۳۱۵): شاعره نوپرداز معاصر، وی در سیرجان چشم به جهان گشود. از آثار او «رهگذر مویتاب»، «طنین در دلتا»،

«دیرار صبح» و «بیعت با بیداری» اشاره کرد.

صنعتی‌زاده (۱۳۵۲ – ۱۲۷۳): میرزا عبدالمسین صنعتی‌زاده از نخستین نویسندگان رمان‌های تاریخی در ایران بود.

طالبوف، عبدالرّعیف (۱۳۲۸ - ۱۲۵۰): حاج ملا عبدالرّعیف بن ابوطالب تبار تبریزی سرفابی، نویسنده‌ی ایرانی، از آثار او: «کتاب ائمه»، «مسالك الممسنين» و

طرابلس: ناحیه‌ای است در شمال غربی لیبی در ساحل بحر الروم (مدریترانه).

عرفی شیرازی: شاعر معروف ایرانی در قرن دهم.

عطار نیشابوری: شاعر و عارف معروف ایرانی در قرن ششم و آغاز قرن هفتم. از آثار او می‌توان به: «تذکره الاولیا»، «منطق الطیر»، «الهی‌نامه»، «مقتارنامه» و «مصیبت‌نامه» اشاره کرد.

علوی، بزرگ (۱۳۷۶ - ۱۲۸۳ش): داستان‌نویس معاصر، از آثار او می‌توان به «چشم‌هایش»، «چمدان»، «سالاری‌ها» و «ورق‌پاره‌های زندان» اشاره کرد.

عمروبن عبود: از سران قریش و از پهلوانان و دلاوران مخالف اسلام، حضرت علی (ع) در غزوه‌ی خندق با او به رزم پرداخت و او را کشت.

عمرولیث: دومین پادشاه صفاری مقتول به سال ۲۸۹ هـ. ق.

عنتره: عنتره بن شداد از مشهورترین سوارکاران عرب در دوره‌ی جاهلیت و در بین عرب، مشهور به مناعت طبع و پاک سرشتی بود. (دیوان شعری نیز دارد که حضرت رسول اکرم (ص) به اشعار او استشهد می‌کرد و می‌فرمود: دلم می‌خواست زنده بود تا او را می‌دیدم. قانون (فرانتس): نویسنده‌ی معاصر الجزایر از آثار او می‌توان به «دوزخیان روی زمین»، «واپسین دم استعمار» و «انقلاب آفریقا» اشاره کرد.

فتحعلی‌شاه: دومین پادشاه سلسله‌ی قاجار.

فراهی، ابونصر: صاحب کتاب «نصاب الصبیان»، وی در لغت عرب و حدیث مهارت تام داشت.

فرّقی یزدی، ممد ابراهیم (فوت ۱۳۱۸ هـ. ش): از شعرا و آزادی‌خواهان دوره‌ی مشروطه، وی مردی منتقد و بی‌باک بود.

فروغی، ممدعلی (۱۳۲۱-۱۲۵۷ ش): ممدعلی فروغی ملقب به زکاءالملک یکی از چهره‌های بزرگ علم و ادب و حکمت معاصر است. از آثار او می‌توان به «سیر حکمت در اروپا»، «آیین سفنوری»، «تصحیح کلیات سعدی»، «تصحیح دیوان حافظ» و ... اشاره کرد.

قومن: شهری در ۲۷ کیلومتری جنوب غربی رشت.

فیضی دکنی، ابوالفیض (۱۰۰۴ - ۹۵۴): ادیب و شاعر بزرگ هند، وی از بزرگان شعر سبک هندی است.

قائنی: حبیب شیرازی معروف به قاننی شاعر ایرانی قرن سیزدهم هجری.

قائم مقام: ابوالقاسم بن عیسی قائم مقام خراغانی، وزیر عباس میرزا و ممد شاه قاجار. وی در نظم و نثر فارسی استاد بود و ثنایی تفلس می‌کرد.

قارون: از افراد بنی اسرائیل، معاصر حضرت موسی (ع) و به قولی پسر عموی وی بود. او پناه طلب، بفیل، مسود و بسیار ثروتمند بود. موسی او را نفرین کرد و بر اثر نفرین، زمین شکاف برداشت و قارون و خانه و کنش را به کام خود فرو برد. قیصر: قاجار، طایفه‌ای ترکمان منسوب به قاجار نوین از سرداران مغول.

قطیف: شهری در بحرین.

کافک: از بخش‌های کناباد.

کاظمی، ممد کاظم (تولد ۱۳۴۶): شاعر معاصر افغانی، مجموعه‌ی شعر او به نام «پیاده آمده بودم» منتشر شده است.

کاهک: از توابع داورزن سبزوار.

کسمایی، شمس (۱۳۴۰ - ۱۴۶۱): وی در یزد زاده شد و از پیشگامان تهر در شعر فارسی به شمار می‌رود.

کشانی = اشکبوس: منسوب به کوشان، سرزمینی در مشرق ایران قریم، شامل شرق ایران، مغرب هندوستان، افغانستان و ترکستان امروزی بوده است.

کمبریج: یکی از شهرهای انگلستان که دانشگاه معروف و قدیمی کمبریج در آن است.

کنفانی (غسان): نویسنده‌ی معاصر عرب. کتاب دیگر او «ادب المقاومة فی فلسطين المقتله» است.

کورش: موسس سلسله‌ی هخامنشی، مقتول به سال ۵۲۹ ق. م. او پسر کمبویه از خاندان هخامنشی بود.

کوفه: شهری در جنوب عراق، در نزدیکی نجف.

کیش: از معروف‌ترین جزایر خلیج فارس که بهترین مرواریدها در اطراف آن صید می‌شود.

گاو فونی: باتلاقی است در پست‌ترین ناحیه‌ی دشت اصفهان که رودخانه‌ی زاینده‌رود در آن می‌ریزد.

گودرز: پهلوان ایرانی که بنا به روایت فردوسی در عهد کیان پس از خاندان سام نیم خاندان او اهمیت داشته است.

لاهوئی، ابوالقاسم (۱۳۳۶ - ۱۴۶۴ ش): در کرمانشاه به دنیا آمد و در مسکو درگذشت. دیوان وی مجموعه‌ای از قطعه و غزل و

مقداری تصنیف و ترانه است که مجموعاً با زبانی ساده و روان سروده شده است.

مأمون الرشید: هفتمین خلیفه از خلفای عباسی. وی ابتدا امام رضا (ع) را ولیعهد خویش کرد. اما به سبب مبنویت و نفوذ روزافزون آن

حضرت در حکومت، آن امام را به شهادت رساند.

مانین، اثل: بانوی انگلیسی نویسنده‌ی اثر معروف «راه بتر سبع» درباره‌ی فاجعه‌ی فلسطین.

ماوراءالنهر: سرزمینی بوده است در شمال رود جیون بین دو رود سیون و جیون شامل بخارا، سمرقند، خجند، اشروسنه و ترمز.

مجمع دیوانگان: اثری از میرزا عبدالعسین صنعتی زاده‌ی کرمانی (۱۳۵۲ - ۱۲۷۳) این اثر نخستین اتوپیا (=آرمانشهر)ی ادبیات معاصر است.

مراغه‌ای، زین العابدین (۱۲۹۰ - ۱۲۱۷): نویسنده‌ی کتاب «سیاحت‌نامه‌ی ابراهیم بیگ»، از پیشگامان سارده‌نویسی نثر معاصر.

مراکش: کشوری است در برجستگی شمال غربی آفریقا.

مرنج: نام یکی از زندان‌هایی که مسعود سعد شاعر قرن پنجم در آن مبعوس بوده است.

مسالک المفسنین: اثری است از طالبوف نویسنده و دانشمند ایرانی (۱۳۲۹ - ۱۲۵۰ ه. ق.).

مسجد شیخ لطف‌الله: این بنا در شرق میدان نقش جهان اصفهان و روبه‌روی بنای عالی قاپو واقع شده است و در سال ۱۰۱۰ ه. ق به امر شاه عباس اول بنا شده است.

مشفق کاظمی: مرتضی مشفق کاظمی (۱۳۵۶ - ۱۲۸۷) نویسنده‌ی نخستین رمان اجتماعی درباره‌ی وضع فقرات آمیز زنان ایرانی به نام «تهران مفوف» که جلد دوم آن با نام «یادگار شب» منتشر شده است.

مصر: کشوری شامل زمین‌های موضعی سفلی نیل در شمال شرقی آفریقا و نیز شبه جزیره‌ی سینا در شمال دریای احمر.

مَعْرَی (ابوالعلاء): احمد بن عبدالله (فوت ۴۴۹) شاعر و لغوی معروف عرب که به سبب آبله نایبنا شد. از آثار او شرح اشعار متنبی و شرح دیوان بقری را می‌توان نام برد.

مقرونیه: ناحیه‌ی قدیمی در شمال کشور یونان که تحت اداره‌ی فیلیپ دوم و اسکندر سوم قرار داشت.

ملیک: غلامعلی شان معروف به ملیک و ملقب به عزیزالسلطان و سردار مقرر. برادرزاده‌ی امینه اقدس کربوسی یکی از زنان ناصرالدین شاه.

موسوی کرم‌رودی، سیدعلی (تولد ۱۳۲۰): سید علی موسوی کرم‌رودی متولد کرم‌رود الموت است. وی از شعرای نوپرداز به شمار می‌رود. کتاب‌های «سرود رگبار»، «عبور» و «در سایه‌سار نفل ولایت» از آثار اوست.

موش‌ها و آدم‌ها: اثری است از جان اشتاین بک نویسنده‌ی آمریکایی (۱۹۶۸ - ۱۹۰۲ م.).

مهابرات مهابراتا: حماسه‌ی بزرگ هندوان به زبان سانسکریت که شامل ۱۹ کتاب است و تألیف آن را به ویاسا فرزانه‌ی هند نسبت می‌دهند. اما این حماسه در یک زمان و توسط یک شاعر سروده نشده، بلکه قریب صد شاعر آن را طی چند قرن سروده‌اند.

ناپلئون سوم: شارلی لویی ناپلئون بناپارت (۱۸۷۳ - ۱۸۰۸ م.) امپراتور فرانسه پسر لویی بناپارت.

ناصرالدین شاه: پسر محمد شاه قاجار و چهارمین پادشاه سلسله‌ی قاجاریه. وی نزدیک به نیم قرن سلطنت کرد و سرانجام به دست میرزا رضا کرمانی ترور شد.

ناصر قهصرو: حکیم ابو معین ناصر بن خسرو قبادیانی بلخی (۴۸۱ - ۳۹۴ ه. ق.) ملقب به هفت از کلمات و متکلمین اسلام و شاعر نامدار ایرانی است.

نامبره: شهری در شمال فلسطین اشغالی، محلّ ولادت حضرت عیسی (ع)، این شهر از زیارتگاه‌های مسیحیان است.

نای: نام یکی از قلعه‌هایی که مسعود سعد شاعر قرن پنجم در آن مأموس بوده است.

نرون: امپراتور ستمگر روم که قدرت را از دست مادر خود درآورد و سپس مادر و همسر خود را کشت. وی شهر رم را به آتش کشید و به ازار مسیحیان پرداخت.

نسیم شمال: روزنامه‌ای که سید اشرف‌الدین کیلانی در دوره‌ی مشروطه منتشر می‌کرد.

نیکسون: یکی از رؤسای جمهوری آمریکا، در دوره‌ی او جنگ ویتنام پس از سال‌های طولانی پایان یافت.

هاروارد: یکی از بزرگ‌ترین دانشگاه‌های دنیا در آمریکا که به اسم بنیان‌گذار آن جان هاروارد (۱۶۳۸ - ۱۶۰۷) روحانی انگلیسی نام‌گذاری شده است.

هرایت، صادق (فوت ۱۳۳۰): داستان‌نویس معاصر، آثار معروف او عبارت‌اند از: «بوف کور»، «سک و لگرد»، «سه قطره خون»، «اصفهان نصف جهان»، «پروین دختر ساسان» و ...

هومر: کهن‌ترین و نامدارترین حماسه‌سرای یونانی، وی در قرن هفتم قبل از میلاد می‌زیست. از آثار او می‌توان به «ایلیاد» و «ادیسسه» اشاره کرد.